

The Role of Axial Guardianship in the Durability of an Islamic and Guardianship-Style Government

Received: 06-04-2021

Accepted: 08-09-2021

AbdolAllah Hajisadeghi*

(43-70)

In the political doctrine of Islam, the general form and mould of a government is based on a guardianship system in which divine legislation and popular acceptance are well manifested. The purpose of this study is to recognise, protect and strengthen the main factor of stability and durability of the guardianship-style system. This study seeks to find an answer to the main question which is, which is the most important factor in the stability and durability of the guardianship system? The hypothesis that was assessed is that amongst the various factors of stability and instability of the Islamic system, axial guardianship in insight, orientation and behaviour is the most important factor and guarantor of its durability, and as this factor is the cause of the guardianship system, it is also the reason for its survival. The research method of this hypothesis is descriptive and analytical, and its data is collected through documentary and library methods. According to the findings of this study, the reason why a guardianship system and a religious government hasn't been formed or hasn't proved itself durable over history, even during the lifetime of the infallible Imams, is because guardianship hasn't been the axis in thought and action. However, during the Islamic Revolution, axial guardianship was able to establish a durable guardianship system with authority for over four decades regardless of the enemies and their plots.

Keywords: Guardianship, Axial guardianship, Guardianship system, Durability.

* Associate Professor of Philosophy and Theology, Shahid Mahallati Higher Education Complex, Qom, Iran: m.mashayekh68@yahoo.com.



نقش ولایت‌محوری در استمرار نظام اسلامی و ولایی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۱۷

عبدالله حاجی صادقی*

(۴۳-۷۰)

چکیده

در مکتب سیاسی اسلام، مدل و شکل کلی حکومت نظام ولایی است که در آن مشروعیت الهی و مقبولیت مردمی به خوبی تجلی می‌یابد. هدف این پژوهش شناخت، حفظ و استوارسازی عامل اصلی پایداری و تداوم نظام ولایی است. این تحقیق به دنبال پاسخ به این پرسش اصلی است که مهم‌ترین عامل پایداری و تداوم نظام ولایی کدام است؟ فرضیه بررسی شده این است که از میان عوامل مختلف پایداری و ناپایداری نظام اسلامی، ولایت‌محوری در بینش، گرایش و رفتار مهم‌ترین عامل و ضامن تداوم و استمرار آن است و همان‌طور که این عامل، علت محدثه نظام ولایی را تشکیل می‌دهد، علت مبقیه آن نیز هست. روش تحقیق این فرضیه توصیفی و تحلیلی و گردآوری داده‌های آن به روش اسنادی و کتابخانه‌ای است. بر اساس یافته‌های این تحقیق، آنچه سبب شد در طول تاریخ حتی در زمان حضور امامان معصوم علیهم‌السلام، نظام ولایی و حکومت دینی شکل نگیرد یا تداوم نیابد، محور نبودن ولایت در اندیشه و عمل است؛ درحالی‌که در جریان انقلاب اسلامی، ولایت‌محوری توانست به‌رغم همه دشمنی‌ها و توطئه‌ها، نظام ولایی را بیش از چهار دهه با اقتدار تداوم بخشد.

واژگان کلیدی: ولایت، ولایت‌محوری، نظام ولایی، استمرار.

* دانشیار فلسفه و کلام مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی، قم، ایران: m.mashayekh68@yahoo.com

مقدمه

نخستین نظام ولایی پس از هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مدینه به‌عنوان یکی از دوره‌های درخشان حکومت در طول تاریخ شکل گرفت. این نظام ولایی که مراحل رشد و تعالی را پشت سر می‌گذاشت، با رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، به‌رغم فراهم‌سازی مقدمات تثبیت نظام اسلامی در حادثه غدیر و راهنمایی‌ها و تأکیدهای آن بزرگوار، ادامه نیافت. پس از ۲۵ سال، بار دیگر نظام ولایی با حکومت علی رضی الله عنه شکل گرفت. زعامت امام حضرت چهار سال و نه ماه بیشتر دوام نیاورد و به دنبال آن، خلافت امام حسن بن علی رضی الله عنه هم چند ماه بیشتر طول نکشید و امامت اسلامی به حکومت جابرانه پادشاهی بدل شد (ر. ک. خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۸۱) و با روی کار آمدن سلطنت اموی و عباسی، نظام ولایی برای دوره‌ای طولانی تعطیل شد. در دوران غیبت هم به‌رغم تلاش فقها و علمای اسلامی، نظام ولایی به معنای واقعی‌اش شکل نگرفت، تا اینکه در عصر جدید و درحالی‌که سکولاریسم و اندیشه جدایی دین از سیاست همه جهان را فراگرفته بود، با تحقق انقلاب اسلامی، اسلام ناب احیا و بار دیگر نظام ولایی با محوریت ولایت فقیه ایجاد شد. این نظام با وجود تمام توطئه‌ها و دشمنی‌ها و عملیات‌های سخت و نرم توانست بیش از چهار دهه با اقتدار و پویایی به‌سوی اهداف خود در حرکت باشد و به شکل قدرتی درآید که هیچ ابرقدرتی را توان رویارویی با آن نباشد. در این دوره، با وجود رحلت معمار انقلاب اسلامی و نظام ولایی، این نظام با همان مختصات و ماهیت خود در دوره زعامت مقام معظم رهبری در سایه شدیدترین تهاجمات سخت، نیمه‌سخت و نرم استمرار یافت.

بنابراین، با وجود اهمیت و جایگاه برجسته نظام ولایی و اینکه جز در پرتو نظام ولایی، به حقیقت دین و جامعه اسلامی نمی‌توان دست یافت و احکام الهی ضمانت اجرایی نمی‌یابد (ر. ک. موسوی خمینی، ۱۳۸۵: ۲۷)، پرسش اصلی تحقیق این است که چرا امامان معصوم علیهم‌السلام و در دوران غیبت علما و فقهای بزرگ نتوانستند نظام ولایی و حکومت اسلامی را ایجاد کنند و استمرار ببخشند، اما حضرت امام خمینی رضی الله عنه و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رحمته‌الله این فرصت و توفیق را پیدا کردند؟ به‌بیان دیگر، انقلاب اسلامی و رهبری آن دارای چه امکان و زمینه‌هایی بود که توانایی آن را یافت که برای نخستین بار، نظام ولایی را در

مصادق ولایت فقیه محقق سازد و استمرار آن را در بیش از چهار دهه با اقتدار و موفقیت تضمین کند، ولی امامان معصوم و فقهای دیگر از آن بی‌بهره بودند؟

در پاسخ به پرسش طرح‌شده، نظرهای مختلفی ارائه شده است، اما ضمن باور به نقش مردم در پایداری نظام‌های سیاسی، مسئله اصلی پژوهش حاضر رابطه ولایت‌محوری مردم در ساحت‌های بینشی، منشی و رفتاری با شکل‌گیری و پایداری و ناپایداری «نظام ولایی» است.

این پژوهش برای دستیابی به مسئله تحقیق، از روش اسنادی بهره‌مند شده است که مبتنی بر مطالعه هدفمند و نظام‌مند منابع و بر پایه جست‌وجوی توصیفی و تفسیری است. درعین حال برای پاسخ پرسش چرایی، از تحلیل تبیینی نیز می‌توان استفاده کرد. با این روش، از توصیف صرف پرهیز و به تفسیر و تبیین یافته‌ها توجه شده است. از این رو، نگارنده ضمن ارائه تصویر از چگونگی موضوع، به تشریح و تبیین دلایل چگونه بودن و چرایی وضعیت مسئله پرداخته است. همچنین قرآن و نهج البلاغه در این تحقیق به عنوان منابع دست اول و بر اساس اصالت و اعتبارشان انتخاب شده‌اند. منابع دست دوم نیز کتاب‌های فقیهان مانند کتاب الارشاد و کتاب‌های محدثان مشهور مانند بحار الانوار و صفات الشیعه و فضائل الشیعه و کتاب تاریخی نظیر تاریخ کامل و تاریخ و تفسیر طبری است و برای تفسیر موضوع، از آثار اندیشمندان اسلامی بهره برده شده است. روش گردآوری داده‌ها نیز کتابخانه‌ای است.

پیشینه پژوهش

درباره مانایی و پایداری نظام اسلامی پژوهش‌های علمی متعددی نگارش یافته است. بررسی این پژوهش‌ها که در قالب رساله‌ها و مقالات علمی-پژوهشی تدوین شده‌اند، در چند محور قابل دسته‌بندی است: دسته اول از پژوهش‌ها به نقش رهبر در ماندگاری نظام و انقلاب اسلامی پرداخته‌اند؛ دسته دوم نقش مردم در استمرار و پایداری نظام و انقلاب اسلامی را بررسی کرده‌اند؛ دسته سوم به نقش ساختار نظام جمهوری اسلامی در مانایی آن توجه کرده‌اند؛ دسته چهارم به جای بررسی تک‌عاملی، به این نتیجه رسیده‌اند که عوامل متعدد در تداوم و پایداری نظام و انقلاب اسلامی نقش دارند. یافته‌های این پژوهش‌ها را می‌توانیم در جدول زیر ببینیم.

جدول ۱: پیشینه پژوهش

پژوهشگر و سال پژوهش	عنوان پژوهش	یافته اجمالی پژوهش
جواد دهقانی (۱۳۹۱)	نقش رهبری در تداوم انقلاب اسلامی	عامل رهبری در قالب اصل ولایت فقیه مهم‌ترین عامل در تکوین انقلاب اسلامی، تثبیت و نیز پایداری آن بوده است.
اکبر اشرفی و طیبه سلامت (۱۳۹۴)	رهبری و حفظ انقلاب در ایران و مصر: تحلیلی بر نقش محمد مرسی در شکست انقلاب مصر	رهبر آگاه، زمان‌شناس و مدیر توانست مؤلفه‌های مهم انقلاب را نهادینه کند و طی سالیان بعد، به سمت استمرار حرکت دهد.
علی محمد حاضری و ابراهیم صالح‌آبادی (۱۳۸۷)	علل تداوم رژیم سیاسی جمهوری اسلامی ایران	رهبر و همسویی حزب جمهوری اسلامی با او در تداوم رژیم نقش بسزایی داشت.
بهجت یزدخواستی و محسن اخوان مهدی (۱۳۹۰)	بازخوانی انقلاب اسلامی ایران با تأکید بر راز ماندگاری و پویایی انقلاب	حاکمیت حضرت مهدی <small>عج</small> مبنای فکری انقلاب اسلامی همراه با ماهیت توحیدی انقلاب به راز ماندگاری بدل شده است.
شریف لک‌زایی و محمدعلی فتح‌اللهی (۱۳۹۲)	حکمت متعالیه و انقلاب اسلامی ایران	حکمت متعالیه تأثیر بسیاری در پیدایش، استمرار و تداوم انقلاب اسلامی داشته است.
ناصر جمال‌زاده و همکاران (۱۳۹۷)	مؤلفه‌های مانایی انقلاب اسلامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری <small>رحمته‌الله</small>	اسلام، رهبر، مردم و کارآمدی عوامل و ارکان اصلی نگه‌دارنده انقلاب اسلامی است.
غلامحسین مسلمانی و همکاران (۱۳۹۸)	واکاوی ساختار جاری نظام جمهوری اسلامی ایران از منظر مانایی	وجود همه شرایط در اجزای اصلی ساختار در جمهوری اسلامی عامل مانایی است.
محمدحسین طالبی (۱۳۹۷)	نقش مردم در نظام سیاسی مردم‌سالاری دینی (اسلامی)	در نظام مردم‌سالاری دینی، مردم، هم در حدوث و هم در بقای حکومت دارای نقش مؤثرند.
محمد مهدی امامی (۱۳۹۴)	بررسی عوامل و شاخص‌های پایداری و ناپایداری سیاسی در حکومت دینی از دیدگاه امام علی <small>ع</small> و تطبیق آن بر نظام ج.ا.ا.	شاخص‌های عدالت نقش اصلی در چرخه پایداری ثبات سیاسی و اجتماعی دارد.
محمدجواد نوروزی فرانی (۱۳۹۱)	شاخص ولایت‌مداری در نظام اسلامی	مسئله ولایت‌مداری در همه ساحت‌های آن یعنی حوزه رهبری، عرصه اقتدار و مشروعیت، حوزه ساختار و رفتار قابل طرح است.

مجموع این بررسی‌ها نشان می‌دهد که به موضوع مانایی و پایداری نظام و انقلاب اسلامی از منظرهای مختلف توجه شده است. عوامل پایداری در پژوهش‌های اشاره‌شده در همه نظام‌های سیاسی نقش‌آفرین‌اند، اما نظام اسلامی و ولایی بر اساس مبانی توحیدی، به عاملی افزون بر آنها نیاز دارد که فقدان آن در صدر اسلام سبب ناپایداری حاکمیت امیر مؤمنان و امام حسن مجتبی علیه السلام شد. از این رو، نقطه فارق تحقیق حاضر تبیین این حقیقت است که ولایت‌محوری عامل اصلی استمرار و مانایی نظام ولایی است.

مبانی مفهومی و نظری

ولایت: واژه ولایت به فتح واو و ولایت به کسر واو از ماده «ولی» اشتقاق یافته و معنای اصلی آن قرار گرفتن چیزی در کنار چیز دیگر است؛ به نحوی که فاصله‌ای در کار نباشد؛ یعنی اگر دو چیز آن‌چنان به هم متصل باشند که هیچ چیز دیگر در میان آنها نباشد، ماده «ولی» استعمال می‌شود (مطهری، ۱۳۷۷ الف: ۱۳-۱۴). در کتاب اقرب الموارد اثر شرتونی، مجمع البحرین اثر طریحی، نهاییه اثر ابن اثیر و لسان العرب اثر راغب واژه ولایت با کسره «و» به معنای تولیت و سلطان دانسته شده است (ر. ک. حسینی طهرانی، ۱۳۷۹: ۹-۲۰). در قرآن کریم نیز ولایت از واژه‌های پرکاربرد است که در ۱۲۴ مورد به صورت اسم و در ۱۱۲ مورد در قالب فعل در معانی مختلفی به کار رفته است. امام خمینی علیه السلام در کتاب ولایت فقیه، ولایت را به معنای «حکومت و اداره کشور و اجرای قوانین شرع مقدس» دانسته‌اند (موسوی خمینی، ۱۳۸۸: ۵۱). در تعریف آیت‌الله خامنه‌ای دامنه‌ای نیز «کلمه ولایت به حکومت اطلاق شده است» (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۶۹/۴/۲۰).

مراد از ولایت در این پژوهش، حکومت و همان معنایی است که در روایات همتای تفکیک‌ناپذیر قرآن و از شئون الهی دانسته شده است و در افراد خاص و برگزیده تجلی می‌یابد و زمینی می‌شود. ولی خدا نیز مأموریت دارد رهبری و اداره نظام اجتماعی و سیاسی را با محوریت قانون الهی برعهده گیرد تا آنان را که با خردمندی و فرزاندگی، ولایت و قانون الهی را پذیرفته و به آن ایمان آورده‌اند به منزل مقصود هدایت کند.

نظام ولایی: از نظر آیت‌الله جوادی آملی، نظام ولایی «یک نوع حکومت مردمی خاص

است که در آن محور قانون‌گذاری وحی الهی است» (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۵۱۳). اعتقاد به چنین حکومتی برخاسته از جهان‌بینی توحیدی است (مصباح یزدی، ۱۳۸۱: ۴۸). بنابراین، نظام ولایی تجلی بخش ولایت و حاکمیت انحصاری خداست که به وسیله انسان‌های برگزیده الهی که صلاحیت علمی و عملی لازم را برای اجرای احکام الهی و اداره امت اسلامی با محوریت قانون الهی دارند، تحقق می‌یابد. به بیان دیگر، این نظام دارای مراتب طولی است و مصداق برجسته و کامل حاکمیت انحصاری و ولایت خدا با امامت و رهبری پیامبر اکرم ﷺ و امامان معصوم ﷺ تحقق می‌یابد، و در غیاب آنها، این مأموریت با تربیت‌شدگان مکتب اهل بیت ﷺ و آنان که در علم و عمل بیشترین شباهت و سنخیت را با ائمه ﷺ دارند، یعنی فقیهان عادل، تجلی می‌یابد (حاجی صادقی، ۱۳۹۴: ۹۲). با وجود این، اطلاق کلمه ولایت به حکومت بیانگر رابطه ولایتی بین ولی و مردم است و ارتباط و اتصال آنها، انفکاک‌ناپذیر است (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۶۹/۴/۲۰).

ولایت محوری: درباره این مفهوم تعاریف مختلفی هست. در یکی از تعاریف آمده است که ولایت مداری به مفهوم پابندی و التزام عملی به ولایت است. ولایت مداری در اندیشه معاصر با وظایف شهروندی مرتبط است، اما با آن تفاوت نیز دارد. ولایت مداری دارای بار معنوی بوده و حاکی از رابطه‌ای مبتنی بر تعاملی عقلانی میان رهبر دینی و افراد جامعه است. این ارتباط با محبت، دوستی و دل‌سوزی همراه است. درحالی‌که شهروندی امری مکانیکی، شکننده و صرفاً حقوقی است و گام نهادن در آن، از باب پایان بخشیدن به هرج و مرج، و ایجاد نظم از روی اضطرار است (نوروزی فرانی، ۱۳۹۱: ۷).

رهبر معظم انقلاب ﷺ ولایت محوری را در دو سطح فردی و اجتماعی تعریف کرده‌اند. در سطح فردی، «ولایت در یک انسان به معنای وابستگی فکری و عملی هرچه بیشتر و روزافزون‌تر با ولی است» (خامنه‌ای، ۱۳۷۰: ۵۵). پس، «ولایت یک انسان پیوسته و وابستگی مطلق او با ولی است» (همان). در سطح جامعه نیز ولایت به معنای «منشأ و الهام‌بخش همه نیروها، نشاطها و فعالیت‌های آن جامعه است؛ قطبی است که همه جوی‌ها و سرچشمه‌ها از او سرازیر می‌شود؛ نقطه‌ای است که همه رشته‌ها و نخ‌ها به آنجا برگردد، همه به او نگاه کنند و دنبال او بروند» (همان: ۵۶).

این معنا در روایات ائمه علیهم‌السلام نیز آمده است؛ چنان‌که امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «كَذِبَ مَنْ رَزَعَهُ مِنْ شِيعَتِنَا وَهُوَ مُتَمَسِّكٌ بِعُرْوَةِ غَيْرِنَا» (شیخ صدوق، ۱۳۹۱: ۴۵)؛ دروغ می‌گوید کسی که گمان می‌کند شیعهٔ ماست، ولی به ریسمان [سرپرستی و ولایت] غیر ما [اهل‌بیت علیهم‌السلام] چنگ زده است». یکی از مختصات اساسی در ولایت‌محوری فرد یا جامعه این است که ابتدا باید بکوشد رهبر الهی را به‌خوبی بشناسد؛ سپس با تمام توان از او فرمان ببرد (ر. ک. حاجی صادقی، ۱۳۹۴: ۳۸).

بنابراین، مفهوم ولایت‌محوری در این پژوهش عبارت است از فرد و جامعه‌ای که در ابعاد بینشی، گرایشی و رفتاری چشم به جهت‌گیری و مواضع ولیّ خدا در تمام صحنه‌های زندگی دارد و با تمام وجود از آن پیروی می‌کند و همهٔ مدیران، نهادها، سازمان‌های حکومتی و مردمی خود را با ولیّ امر هماهنگ و همسو می‌سازد.

بدین‌سان، ولایت‌محوری در سه ساحت وجودی انسان متبلور می‌شود:

ولایت‌محوری در بُعد بینشی عبارت است از پیروی از ولیّ امر و وابستگی فکری و معرفتی به ایشان. به‌بیان‌دیگر، در ساحت بینش، پیروی از حاکم اسلامی در عصر غیبت از مبانی اعتقادی است و از ایمان نشئت می‌گیرد (نوروزی فرانی، ۱۳۹۱: ۱۹). البته وابستگی فکری به معنای نادیده گرفتن انتخاب و اختیار انسان نیست، بلکه مؤمن خردمند برای دستیابی به مقصد حقیقی و راه یافتن به دین خدا و برای بهره‌مندی از معارف و مفاهیم بلند قرآن و تحقق و استمرار نظام ولایی که تضمین‌کنندهٔ احکام الهی است، یگانه راه را تبعیت فکری و معرفتی از ولایت می‌داند. از این‌رو، برخی الزامات ولایت‌محوری آشنایی با مبانی ربوبی ولایت، شناخت ولایت حقیقی و ذاتی خدا، ولایت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان معصوم علیهم‌السلام، ولایت مطلقهٔ فقیه و آشنایی با نظام ولایی و حکومت دینی، شناخت شئون ولایت، درک صحیح مواضع و منویات ولیّ امر، شناخت دشمنان ولایت (حاجی صادقی، ۱۳۹۴: ۹۸-۹۷) و میزان آگاهی به جایگاه ولایت فقیه در دستگاه معرفت دینی و میزان آگاهی به دلایل اثبات ولایت فقیه (نوروزی فرانی، ۱۳۹۱: ۱۹) است؛

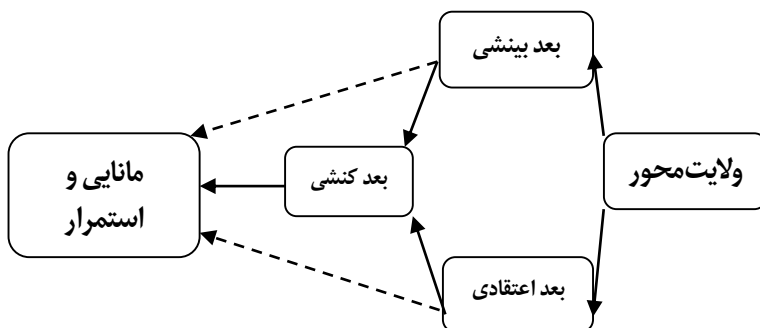
ولایت‌محوری در بُعد قلبی یا منشی، به معنای اعتقاد و ایمان قلبی و دل‌بستگی و وابستگی قلبی به ولایت و همهٔ مراتب آن، اعتقاد به واجب‌الاطاعه بودن همهٔ مراتب ولایت،

اعتقاد به شئون ولایت، حجیت احکام ولی فقیه و تبعیت از او، به شأن زعامت و رهبری فقیه جامع‌الشرایط، به شأن داوری فصل‌الخطاب بودن ولی امر، اعتقاد به الگوگیری از ولایت و خط‌نگرفتن از غیر اولیای الهی، دل‌بستگی به ولایت و انزجار از دشمنان ولایت و اعتقاد به حجیت مواضع ولی امر است؛

ولایت محوری در بُعد رفتاری، به معنای التزام عملی به دستورهای حاکم اسلامی و سیاست‌های ترسیم‌شده از سوی ولی امر، اعلام وفاداری به ولایت، محور قرار دادن التزام به ولایت در انتخاب‌ها، دوستی‌ها، فرمان‌بری از ولی امر، تسلیم داوری و مواضع رهبر در همه مناقشات، هماهنگ ساختن جهت‌گیری‌ها و مواضع و اقدامات با مواضع رهبر، ملازمت با ولایت و پرهیز از هر عمل افراطی و تفریطی درباره مقام اهل بیت علیهم‌السلام، عمل خردمندانه با محوریت رهبری در شرایط احساسی و هیجانی و تهییج‌کننده دشمنان، پایداری خستگی‌ناپذیر در ولایت محوری، صبر و شکیبایی در برابر مشکلات نظام ولایی، شجاعت و قاطعیت در حفظ اصول و ارزش‌های نظام ولایی، فاصله گرفتن از بریدگان از ولایت، حفظ تقدس ولایت فقیه و دفاع هوشیارانه از ولایت و ولی امر و یاری و خیرخواهی برای ولی امر و تلاش برای گسترش ولایت محوری است (ر. ک. حاجی‌صادقی، ۱۳۹۴: ۹۶-۱۴۸).

نتیجه تبیین این ساحت‌ها این است که شکل‌گیری و تداوم نظام ولایی منوط به آنهاست؛ چنان‌که از نظر امام خمینی علیه‌السلام، «مبارزه در راه تشکیل حکومت اسلامی لازمه اعتقاد به ولایت است» (موسوی خمینی، ۱۳۸۸: ۲۲). بقای نظام ولایی و پیشگیری از آسیب‌پذیری آن نیز مبتنی بر همین امر است: «پشتیبان ولایت فقیه باشید تا به مملکت شما آسیب نرسد» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۰: ۵۸).

نکته مهم رابطه سه بُعد با هم است: ولایت محوری شناختی و اعتقادی، ستون ولایت محوری عملی و رفتاری است و زمانی اثرگذار و موجب تحقق و استمرار نظام ولایی می‌شود که در رفتار و کنش‌ها و واکنش‌ها ظهور پیدا کند. از این رو، مهم‌ترین جلوه ولایت‌مداری محوریت ولایت در عمل و وفاداری و تبعیت عالمانه از ولی امر است.



نمودار ۱: مدل مفهومی پژوهش

(منبع: یافته‌های پژوهش)

یافته‌های پژوهش

بر اساس پیشینه پژوهش، عوامل گوناگونی در شکل‌گیری و مانایی نظام اسلامی و ولایی نقش دارند. یافته این پژوهش این است که ولایت‌محوری فرد و جامعه از میان سایر عوامل، نقش اصلی را ایفا می‌کند.

۱. دلالت‌های قرآنی و روایی

از آیات قرآن و روایات به‌روشنی برمی‌آید که نظام ولایی جز با پذیرش و مشارکت عملی و ولایت‌محوری امت اسلامی و قیام مردمی شکل نمی‌گیرد و استمرار نمی‌یابد. اهداف بلند حاکمیت الهی و حکومت اسلامی، تنها با اراده و حرکت و مجاهدت مؤمنان و مردم به‌دست می‌آید. قرآن عدالت اجتماعی و استقرار قسط را که یکی از اهداف مهم نظام ولایی است، ره‌آورد و نتیجه حرکت و قیام مردمی می‌داند و ارسال رسل و انزال کتب را مقدمه و در راستای همین قیام مردمی با بهره‌گیری از ابزارهای خدادادی معرفی می‌کند. در سوره حدید چنین آمده است:

ما پیامبران خود را با دلیل روشن فرستادیم و با آنها کتاب آسمانی و میزان [شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه] نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند و آهن را آفریدیم که در آن نیرومند شدید و منافی برای مردم است تا مشخص شود چه کسی خدا و پیامبران را

یاری می‌کند بی‌آنکه او را ببیند. خداوند توانا و شکست‌ناپذیر است.^۱

بر اساس آیه مزبور، هدف از بعثت انبیا و نزول کتاب‌های آسمانی این نیست که انسان‌ها و مردم را وادار به قسط کنند، بلکه هدف «لِيُقِيمَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» این است که خود مردم با قیام و حرکت قاطع خویش مجری قسط و تضمین‌کننده عدالت باشند. از آنجاکه استقرار عدالت و مبارزه با ظلم و ظالمان مجاهدت و پیکار می‌طلبد، در ادامه آیه می‌فرماید: آهن را نازل کردیم که در آن قوت شدید و منافع برای مردم وجود دارد.

یکی دیگر از دلالت‌های قرآنی درباره رابطه ولایت‌مداری و شکل‌گیری و تداوم نظام اسلامی فرمان حضرت موسی علیه السلام و پیروی نکردن قوم ایشان از حضرت است. وقتی خدا به بنی اسرائیل فرمود وارد سرزمین مقدس (منطقه شامات) شوید و در آنجا زندگی شهری و همراه با آرامش داشته باشید، گفتند در آن سرزمین جمعیتی ستمگر وجود دارند و وقتی به آنها گفته شد با آن ستمگران مبارزه کنید و خدا شما را پیروز می‌کند، با تن‌پروری گفتند: «ای موسی، تا آنها در آنجا هستند، ما هرگز وارد نخواهیم شد. تو و پروردگارت بروید و [با آنان] بجنگید. ما همین‌جا نشسته‌ایم».^۲

از آیه نورانی موصوف برداشت می‌شود که بنی اسرائیل به دلیل ضعف پایه‌های بینشی و اعتقادی در ولایت‌پذیری، از فرمان حضرت موسی علیه السلام سرپیچی کردند. بنابراین، چون قبلاً قدرت خدا را دیده بودند، انتظار داشتند همان خدایی که فرعون را نابود کرد ستمگران شهر مقدس را نابود کند و آنها بدون زحمت و مبارزه به زندگی راحت و شهری دست یابند. از این رو، امر ولایت را نپذیرفتند و گفتند ما می‌نشینیم تا تو و خدایت شهر را برای ما پاک‌سازی کنید؛ ولی خدا با قاطعیت با آنها برخورد کرد و [به موسی علیه السلام] فرمود: «این سرزمین [مقدس] تا چهل سال بر آنها ممنوعه است [و به آن نخواهند رسید]. پیوسته در زمین (در این بیابان) سرگردان خواهند بود؛ و درباره [سرنوشت] این جمعیت گنهکار غمگین مباش».^۳

۱. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقِيمَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ

وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حدید: ۲۵).

۲. «قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا لَن نَدْخُلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلْ إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ» (مانده: ۲۴).

۳. «قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيَهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ» (مانده: ۲۶).

افزون بر موارد اشاره‌شده، سنت‌های الهی قرآنی نیز بر رابطه بین ولایت‌محوری و تغییرات نظام اسلامی تأکید دارند. مطابق سنت‌های الهی، تا امتی خود حرکت نکند و دست به تغییر و تحول نزند، نباید انتظار تغییر اوضاع و عنایت و امداد الهی را داشته باشد.^۱ در همین راستا، رهبران الهی با ابلاغ پیام الهی و دعوت مردم و معرفی صراط مستقیم، از آنها می‌خواهند خود وارد صحنه شوند و برای استقرار و استمرار حاکمیت احکام الهی و کنار زدن موانع هدایت و عدالت، با طواغیت و ستمگران مبارزه و مجاهدت کنند. البته اگر آنها بپذیرند و قیام کردند، خدا هم نصرت و یاری خویش را از آنها دریغ نخواهد کرد.^۲

دلالت‌های روایی نیز در خصوص نقش ولایت‌محوری در بقا و استمرار نظام ولایی کم نیستند. یکی از آنها روایت امام رضا^{علیه السلام} است که در بیان کلی فرمودند: «ما هیچ گروه و ملتی را نیافتیم که بتواند به حیات و بقای خود ادامه دهد، مگر با وجود سرپرست، قیم و رئیسی» (شیخ صدوق، ۱۳۸۴، ج ۱: ۱۸۳). پایداری مردم بصیر در برابر مشکلات پیش روی نظام اسلامی یکی دیگر از دلالت‌های روایی ولایت‌مداری و عوامل ثبات و مانایی نظام اسلامی است. این همان واقعیتی است که علی^{علیه السلام} آن را در جنگ با اهل قبله^۳ و انحرافات داخلی ضروری می‌دانستند و فرمودند: «مردم، هم‌اکنون آتش جنگ بین شما و اهل قبله شعله‌ور شده است، و این پرچم مبارزه را جز افراد آگاه و بااستقامت و عالم به جایگاه حق به‌دوش نمی‌کشند. بنابراین، آنچه فرمان دادند انجام دهید و از آنچه نهی کردند توقف کنید و در هیچ کاری تا روشن نشود، شتاب نکنید» (طبرسی، ۱۳۸۴، ج ۹: ۱۲). عبارت‌های آگاهی، علم به جایگاه حق و استقامت در این بیان، شاخص‌های ولایت‌مداری است که اگر در شرایط پیچیده نباشد، ثبات و پایداری حفظ نخواهد شد. وجود و حفظ نظم و وحدت نیز از عوامل پایداری به‌شمار می‌آید. بر اساس روایات، تمسک به ولی امر و پیروی از او از عوامل مهم

-
۱. «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِيَهُ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱)؛ همانا خداوند سرنوشت هیچ قومی (ملتی) را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان آنچه را در [وجود] خودشان است تغییر دهند».
 ۲. «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حج: ۴۰)؛ خداوند کسانی را که یاری او کنند [و از آیینش دفاع نمایند] یاری می‌کند. خداوند توانا و شکست‌ناپذیر است».
 ۳. منظور از اهل قبله، تمام مسلمانانی هستند که کعبه را قبله خود می‌دانند.

وحدت و مانع بی‌نظمی و تفرقه در امت اسلامی است. برای مثال، حضرت زهرا[ؓ] فرمودند: «خداوند اطاعت و پیروی از ما اهل بیت[ؑ] را سبب برقراری نظم اجتماعی در امت اسلامی و امامت و رهبری ما را عامل وحدت و در امان ماندن از تفرقه‌ها قرار داده است» (مجلسی، ۱۳۶۶، ج ۴۳: ۱۵۸). در این زمینه، امام صادق[ؑ] در معنای حبل‌الله در آیه «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» فرمودند: «ما [اهل بیت[ؑ]] همان ریسمان الهی هستیم»^۱ (همان، ج ۲۴: ۸۴). از امام علی[ؑ] نیز نقل شده است: «من ریسمان محکم الهی هستم که خدای تعالی در سخنش، "وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا"، خلقش را به چنگ زدن به آن امر نموده است» (برازش، ۱۳۹۶، ج ۲: ۷۱۸).

این احادیث دلالت بر رابطه ولایت محوری با پایداری نظام ولایی دارد که در صورت نبود آن، تفرقه و بی‌نظمی بر امت اسلامی حاکم می‌شود و می‌تواند ثبات و استمرار نظام را مختل کند و از بین ببرد. درحقیقت، قدرت برای تبدیل شدن به قدرت مستحکم، نیازمند جامعه‌ای است که دارای ویژگی‌هایی نظیر وحدت باشد.

بر اساس آنچه بیان شد، شرط موفقیت و تحقق نظام ولایی، محور بودن ولایت و ولی امر و متابعت قاطع و جدی مؤمنان از دستورها و مطالبات او و هماهنگی و همسو شدن جهت‌گیری و مواضع و اقدامات آنها با رهبر است؛ به گونه‌ای که در این راه از مبارزه، جهاد و ایثار جان و مال خویش دریغ نکنند.

بنابراین، اگر امامان معصوم[ؑ] فرصت تحقق نظام ولایی را نیافتند، به جهت ضعف بینش عمیق به دین، و وجود دنیاطلبی بود که مانع همراهی عملی و قیام در رکاب آنها شد. به تعبیر امام حسین[ؑ]، تا آنجا اهل دین و ولایت بودند که دنیای آنها به خطر نیفتاده باشد، و بنابراین، همان کسانی که طومارهای فراوانی برای آن حضرت فرستادند و ایشان را دعوت کردند، وقتی برق شمشیر عبیدالله را دیدند و دانستند حسینی بودن هزینه جانی و مالی می‌طلبد و مستلزم قیام است، در جبهه مقابل آن حضرت قرار گرفتند. از این رو، حضرت فرمودند: «به‌راستی که مردم بنده دنیا هستند و دین لقلقه زبان آنهاست. تا جایی که دین

۱. «نَحْنُ حَبْلُ اللَّهِ الَّذِي قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا».

وسيلة زندگى آنهاست، دين دارند و چون در معرض امتحان قرار گيرند، دين داران کم مى‌شوند»^۱ (ابن شعبه حرانى، ۱۳۵۲: ۲۴۹).

۲. دیدگاه‌های اندیشمندان اسلامی

از نظر اندیشمندان اسلامی، شکل‌گیری و بقای حکومت اسلامی بدون اراده مردم تحقق نمی‌یابد. به باور امام خمینی علیه السلام، تحقق و استمرار حکومت اسلامی منوط به شناخت مردم از مکتب اسلام و اقدام مجاهدانه آنها بر پایه همان شناخت است. از این رو، پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام اسلامی فرموده بودند: «اسلام را که مکتب جهاد و دين مبارزه است در اختيار مردم قرار دهيد تا عقايد و اخلاق خودشان را از روى آن تصحيح کنند، و به صورت یک نیروی مجاهد دستگاه سیاسی جائر و استعماری را سرنگون کرده، حکومت اسلامی را برقرار سازند» (موسوی خمینی، ۱۳۸۸: ۱۳۳). این بیان نشان می‌دهد که شکل‌گیری نظام ولایی و ساقط شدن نظام طاغوتی منوط به بینش و گرایش مبتنی بر اسلام نابی است که تجلی آن در رفتار به صورت نیروی مجاهد بروز کند.

ایشان پس از پیروزی انقلاب و نظام‌سازی اسلامی، توصیه‌های فراوانی در خصوص نقش مردم در بقا و استمرار حکومت دارند. برای مثال، فرمودند: «اگر مردم پشتیبان یک حکومتی باشند، این حکومت سقوط ندارد» (همان، ۱۳۸۵ ج ۸: ۳۷۲).

شهید مطهری نیز در شرح این روایت از علی علیه السلام که فرمودند: «ای مردم، همانا من به گردن شما حقی دارم و شما نیز بر من حقی دارید» می‌گوید به طور مسلم حق امام بر مردم این است که او را یاری کنند و زمینه حکومت آن حضرت را فراهم سازند. حق مردم بر امام نیز این است که به وسیله حکومت به امور دینی و دنیوی آنان سامان دهد (مطهری، ۱۳۷۷ ب: ۱۳۲).

تأکید اندیشمندان اسلامی نیز این است: «هرچند مشروعیت حکومت اسلامی از ناحیه الهی تعیین می‌گردد، اما حکومت اسلامی هیچ‌گاه بدون خواست و اراده مردم تشکیل نمی‌گردد» (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۸۳). در واقع، اراده مردم در قبض و بسط قدرت سیاسی

۱. «إِنَّ النَّاسَ عِبِيدُ الدُّنْيَا وَالَّذِينَ لَعِقَ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ يَحُوطُونَهُ مَا دَرَّتْ مَعَايِشُهُمْ فَإِذَا مُحْصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدِّيَانُونَ».

نقش تعیین‌کننده دارد.^۱ از آنجاکه اسلام سیاست را از مقوله‌ی هدایت کلی و مدیریت کلان جامعه می‌داند، قدرت را برای استقرار حکومت شرط لازم می‌داند. اقتدار و قدرت هم جز با حضور آگاهانه و داوطلبانه و حمایت قاطع و حرکت و قیام همگانی مردم حاصل نمی‌شود. بنابراین، اگر مردم به احکام الهی و رهبری و ولایت انسان‌های برگزیده‌ی خدا ایمان و اعتقاد داشته باشند و در صحنه‌ی رأی، آنان را برگزینند، ولی آنجا که نیاز به حضور، جهاد، فداکاری و همراهی آنان باشد، صحنه را ترک کنند و حفظ منافع فردی و راحت‌طلبی خود را بر مصالح عمومی ترجیح بدهند، مطمئناً حکومت دینی شکل نمی‌گیرد؛ چنان‌که اگر مردم ابتدا حمایت کنند و حاکمیت الهی را به‌وجود آورند، ولی در ادامه‌ی راه سست و از حمایت عملی و استقامت بر اصول خسته شوند و آن را رها کنند، حکومت استمرار و تداوم نمی‌یابد (حاجی صادقی، ۱۳۹۰: ۲۲۱-۲۲۲).

به‌بیان‌دیگر، محققان علوم اسلامی با تقسیم میان عقل عملی و عقل نظری، بر این باورند که تشکیل حکومت بدون خواسته‌ی مردم مغایر با عقل نظری است؛ چراکه به مقتضای عقل نظری، حکومت نیازمند به مشروعیت و به مقتضای عقل عملی، نیازمند به قدرت است و قدرت که منبع آن پشتوانه‌ی مردمی یک حکومت است، موجودیت حکومت را در حدوث و بقا اثبات می‌کند (اراکی، ۱۳۸۱: ۴).

۳. دلالت‌های تجربی-تاریخی

۳-۲ الف) دلالت‌های غیرمستقیم

منظور از دلالت‌های تجربی-تاریخی غیرمستقیم، مصادیقی در تاریخ است که به‌صورت غیرمستقیم از فقدان یا ضعف ولایت محوری که سبب عدم شکل‌گیری یا استمرار نظام اسلامی شده است، پی به تداوم نظام ولایی به شرط وجود ولایت محوری می‌بریم. به چند نمونه‌ی تاریخی در ادامه اشاره می‌شود:

اول. ولایت محوری در دوره‌ی حکومت علی علیه السلام: یکی از مصادیق تاریخی ناپایداری نظام

۱. «نظر و تصمیم و خواست و اراده‌ی مردم است که درحقیقت یک رهبر را رهبر می‌کند و به او امکان تصرف و قدرت امر و نهی و قبض و بسط می‌دهد» (بیانات امام‌خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۶۸/۱۱/۲).

ولایی دوره حاکمیت امیر مؤمنان علیه السلام است. امام علی علیه السلام با اصرار مسلمانان، پس از ۲۵ سال نظام ولایی را تشکیل دادند، که به اعتقاد رهبر معظم انقلاب، درخشانده‌ترین سال‌های حکومت اسلامی به‌شمار می‌آید. روش‌های انسانی و عدالت مطلق و رعایت ابعاد گوناگون اسلام در زندگی جامعه، همراه با قاطعیت و صراحت و جرئت در این دوره، بیش از همیشه تاریخ ثبت و ضبط شده است (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۸۰).

اما چرا این نظام با داشتن پشتوانه بهترین روش‌های حکومت‌داری برگرفته از آموزه‌های قرآنی و نبوی و برقراری عدالت کامل و دقیق، دوام نیافت؟ واکاوی بیانات آن حضرت نشان می‌دهد که نخستین علت، تغییر نظام معرفتی و ارزشی مردم و ضعف ولایت‌محوری در بینش است. علی علیه السلام تصریح دارند که مردم زمانه‌شان پس از دین‌داری بی‌دین شده‌اند؛ تعلق به اسلام جز به نام آن ندارند و از ایمان جز نشان آن را نمی‌دانند (ر. ک. نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق: ۲۹۸)؛ یا در فرازی دیگری می‌فرمایند: «من یاران محمد را دیده‌ام. کسی از شما را مانند آنان نمی‌بینم» (همان: ۱۴۳). اطاعت‌پذیری یاران آن حضرت در مقایسه با پیروان معاویه، به نحوی بود که حضرت حاضر بودند ده تن از یاران خود را با یکی از یاران معاویه عوض کنند.^۱ افزون بر این، مردم مبانی نظام ولایی پیامبر صلی الله علیه و آله را به فراموشی سپردند و جایگاه جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله در نزد آنها از حد ولایت به خلافت تنزل یافت و علی علیه السلام را به‌عنوان ولی امر و امام جامعه نمی‌شناختند و تصویری مانند سایر حاکمان داشتند. همچنین طی ۲۵ سال پس از پیامبر صلی الله علیه و آله، ارزش‌های جامعه نبوی به تدریج رو به افول نهاد و به جای آن آسایش طلبی و دنیاگرایی تبدیل به فرهنگ غالب مردم و حتی پیروان آن حضرت شد و بدین‌سان ضعف مبانی و افول ارزش‌ها، ولایت‌محوری را در میدان عمل سست و متزلزل کرد.

گرچه اقدامات معاویه و قاسطین، ناکثین و طلحه و زبیر و خوارج و مارقین برای نظام ولایی آن حضرت چالش‌آفرین بود و فضای غبارآلودی را پیش روی مردم قرار داده بودند، در یک تحلیل عمیق نمی‌توانستند عوامل اصلی ناپایداری باشند؛ چنان‌که آن حضرت

۱. «به خدا سوگند دلم می‌خواست که معاویه بر سر شما با من معامله صرافتی کند؛ صرافتی دینار به درهم: ده تن از شما را از من بگیرد و یک تن از یاران خود را به من بدهد» (نهج البلاغه، ۱۳۸۷: ۱۲۱).

می‌فرمایند شیعیانی بودند که ولایت ایشان را پذیرفتند، لکن مشارکت عملی نداشتند و با نافرمانی و کوتاهی‌های خود رأی و موضع مدیریتی و رهبری ایشان را تباه ساختند. آن حضرت در خطبه‌های متعدد عامل جرئت یافتن دشمنان و ناکامی خود را ولایت‌محور نبودن مدعیان پیروی از خود معرفی می‌کنند:

گرفتار کسانی شدم که چون امر می‌کنم، فرمان نمی‌برند و چون آنها را فرامی‌خوانم، اجابت نمی‌کنند. ای مردم بی‌اصل و ریشه، در یاری پروردگارتان برای چه در انتظارید؟ آیا دینی ندارید که شما را گرد آورد؟... نه با شما می‌توان انتقام خونی را گرفت و نه با کمک شما می‌توان به هدف رسید... تنها گروه اندکی به‌سوی من آمدند که آنها نیز ناتوان و مضطرب بودند؛ گویا آنها را به‌سوی مرگ می‌کشاند و مرگ را با چشمانشان می‌نگرند (نهج البلاغه، ۱۳۸۷: ۷۸).

ضعف ولایت‌مداری در این دوره به‌قدری است که حضرت با تشبیه مردم زمانه‌شان به امت بنی‌اسرائیل که به‌واسطه پیروی نکردن از اوامر حضرت موسی علیه السلام، به حیرت و سرگردانی گرفتار شده بودند، می‌فرماید: «حق را پشت سر گذاشتید و از نزدیک‌ترین فرد به پیامبر بریدید و به دورترین شخص (بیگانگان) متصل شدید» (همان: ۲۴۱). این بیان روشن می‌کند که اگر پیروان امام در یاری حق کوتاهی نمی‌کردند و در از بین بردن باطل سستی نمی‌داشتند، سرنوشت نظام ولایتی به‌گونه دیگری رقم می‌خورد. همین کوتاهی، سستی و ضعف در ولایت‌محوری سبب شد بخش‌هایی از عراق و یمن که تحت حکومت و ولایت آن حضرت بود به دست فرمانده لشکر معاویه بیفتد. البته حضرت علی علیه السلام با توجه به شناختی که از اوضاع داشتند، چنین سقوطی را پیش‌بینی کرده بودند. ایشان می‌فرمایند: سوگند به خدا، می‌دانستم که مردم شام به‌زودی بر شما غلبه خواهند کرد؛ زیرا آنها در یاری کردن باطل خود، وحدت دارند و شما در دفاع از حق، متفرقید.

امام علی علیه السلام در فراز دیگر از خطبه بیان‌شده، به مصداق دیگری از ضعف ولایت‌مداری مردم و پیروان خود (به‌جز عده معدودی) اشاره می‌کنند که چگونه در برابر فرمان و تدبیر آن حضرت، به توجیه متوسل می‌شدند و از پذیرش آن شانه خالی می‌کردند: «وقتی در تابستان فرمان حرکت به‌سوی دشمن می‌دهم، می‌گویید هوا گرم است... و آن‌گاه که در زمستان

فرمان حرکت به سوی دشمن می‌دهم، می‌گویید هوا سرد است... وقتی شما از گرما و سرما فرار می‌کنید، به خدا سوگند که از شمشیر بیشتر گریزانید». آن حضرت درباره این نافرمانی‌ها و پیامد ضعف ولایت‌مداری فرمودند: «کاسه‌های غم و اندوه را جرعه‌جرعه به من نوشاندید و با نافرمانی و ذلت‌پذیری رأی و تدبیر مرا تباہ کردید، ... اما دریغ آن کس (رهبر) که فرمانش را نبرند، رأیی نخواهد داشت» (همان: ۷۰). شبیه آنچه در این بیان آمده، در بسیاری از خطبه‌های دیگر آن حضرت مانند خطبه‌های ۵، ۲۹، ۳۴، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۸۸، ۹۷، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۳۱، ۱۶۶، ۱۷۵، ۱۸۰، ۱۹۲ و ۲۰۸ که در نکوهش کوفیان بیان شده نیز مشاهده می‌شود. مجموع این خطبه‌ها به‌وضوح علت ناکامی‌ها و محروم ماندن از پیروزی را در سستی و ضعف اطاعت‌پذیری مردم از ولی امر که خود ناشی از ضعف معرفتی به مبانی نظام ولایی، ولی‌شناسی و سقوط ارزش‌های اسلامی است می‌دانند؛

دوم. ولایت‌محوری در دوره زمامداری امام حسن مجتبی علیه السلام: ضعف ولایت‌مداری در این دوره، بسیار بیشتر از زمان امام علی علیه السلام بود. لذا عمر نظام ولایی در این دوره، تقریباً بیشتر از شش ماه طول نکشید. نظام ولایی امام حسن علیه السلام با بیعت کثیری از مردم عراق و همراهی سایر سرزمین‌های اطراف شکل گرفت و در مراسم بیعت نمایش بزرگی از عظمت و وفاداری نشان داده شد. منابع متعدد از جمله کتاب ابن اثیر بیعت‌کنندگان را ۴۰ هزار نفر شمردند (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۵: ۲۰۱۹). گفته شد که بیعت‌کنندگان با امام ادعای «بیعت مرگ» کرده بودند (همان)، اما این وفاداری و بیعت گویا فقط برای روزهای آرام و بدون دغدغه بود؛ زیرا وقتی امام برای جنگ با معاویه اعلام بسیج کردند، تنها ۴ هزار نفر حاضر شدند؛ درحالی‌که سپاه معاویه ده‌ها هزار جنگجو داشت. در این میان بسیاری از اشراف و مؤثران کوفه به معاویه نامه‌ها نوشتند که ما با تو هستیم (مجلسی، ۱۳۶۶، ج ۴۴: ۴۴). حتی برخی به‌صراحت به معاویه نوشته بودند که در صورت جنگ، امام را تسلیم یا ترور خواهند کرد (منتظرالقائم، ۱۳۸۰: ۲۷۵). البته پیش از آن، امام حسن علیه السلام نهایت تلاش خویش را برای تهییج مردم به جنگ با معاویه به‌کار برده بودند و به‌وضوح شرایط خطیری را که مردم به آن بی‌توجه بودند، برایشان گوشزد کرده بودند، اما آنها سرانجام در پاسخ به اینکه «معاویه ما را به چیزی دعوت می‌کند که در آن، نه عزت است و نه عدالت. اگر شما خواهان مرگ (جهاد) باشید، دعوتش

را به او باز می‌گردانیم و... و اگر خواستار زندگی (عافیت) باشید، آنچه را می‌خواهد می‌پذیریم...»، فریاد برآوردند: «زندگی؛ زندگی... صلح را تمام کن» (همان: ۲۷۷).

حادثه سبابط نیز یکی از دلالت‌های روشن ولایت‌گریزی مردم بود که در آن قضیه نیز امام دریافتند که مردم ایشان را خوار کرده‌اند (ر. ک. شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۱۳).

بنابراین، بررسی این دوره و واکاوی بیانات امام حسن علیه السلام نشان می‌دهد که علت اصلی ناپایداری نظام ولایی ایشان و صلح با معاویه، ضعف معرفتی و عملی مردم و پیروان آن حضرت در ولایت‌مداری بوده است. کتاب انسان ۲۵۰ ساله در توضیح این واقعه، عمده عامل شکست حکومت امام حسن علیه السلام را در «ضعف بینش عمومی و آمیخته شدن ایمان به انگیزه‌های مادی» می‌داند و در زمینه ضعف بینش عمومی، ابراز می‌دارد که مردم بسیار بسیار ناآگاه بودند و ایمان مذهبی‌شان هم آمیخته به انگیزه‌های مادی، و مادیت برای آنها اصل شده بود (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۱۳۶-۱۳۷). در حقیقت، این عامل باعث شد که فرماندهان امام به‌سادگی با تطمیع و فریب از امام حسن علیه السلام جدا شوند. برای مثال، «حکم» که برای فرماندهی ۴ هزار نفر، به شهر انبار گسیل شده بود، با تطمیع معاویه، دین خود را به دنیا فروخت و روانه شام شد (مجلسی، ۱۳۶۶، ج ۴۴: ۴۸). عبیدالله بن عباس، فرمانده ۱۲ هزار نفر، فریب معاویه را می‌خورد و به او می‌پیوندد (همان: ۲۵). در این دوره نیز همان زمینه‌های روندی که پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله سبب تضعیف مبانی معرفتی و ولایت‌مداری مردم شد، با شدت بیشتری وجود دارد؛ یعنی «ارزش‌ها در جامعه اسلامی به صورت تدریجی از حدود ده-پانزده سال قبل از ماجرای صلح امام حسن علیه السلام متزلزل شده بود» (همان، ۱۳۹۰: ۱۳۶-۱۳۷).

بنابراین، متزلزل شدن ارزش‌ها در جامعه اسلامی، بی‌بصیرتی و فضای به‌شدت غبارآلود و شبهه‌افکنی‌های فراوان ضربه سنگینی را بر شاخص‌های ولایت‌محوری در این دوره وارد ساخت و عمده معدودی از اصحاب و یاران آن حضرت به ایشان وفادار باقی مانده بودند. به گواه تاریخ، اگر ولایت‌محوری و پشتوانه مردمی حکومت امام حسن علیه السلام قابل اتکا بود و بزرگان لشکر و فرماندهان سپاه به ایشان خیانت نمی‌کردند، حضرت هرگز حاضر به صلح با معاویه نبودند؛ چنان‌که امام فرمودند: «به خدا سوگند، من از آن جهت کار را به او سپردم که یآوری نداشتم. اگر یآوری می‌داشتم، شبانه‌روز با معاویه می‌جنگیدم تا خداوند میان ما و او

حکم کند» (مجلسی، ۱۳۶۶، ج ۴۴: ۲).

در همین راستا، وقتی امام حسن علیه السلام درهم‌ریختگی سپاه خود را دیدند، با شناختی که از برخوردهای مختلف این مردم با پدرشان داشتند و می‌دانستند که هر روز به نوعی و رنگی رفتار می‌کنند، از حکومت کناره گرفتند (جعفریان، ۱۳۸۶: ۱۴۹)؛

سوم. ولایت‌محوری در دوره سایر ائمه علیهم السلام: مسئله نقش ولایت‌محوری در شکل‌گیری و بقای نظام ولایی را می‌توان در مبارزه سیاسی سایر ائمه علیهم السلام هم مشاهده کرد. نمونه روشن در این باره موضع امام صادق علیه السلام است. وقتی سدیر صیرفی به آن حضرت عرض کرد با این همه شیعه و پیروان چرا قیام نمی‌کنید، امام فرمودند گمان می‌کنی شیعیان من چقدر باشند؟ گفت: ۱۰۰ هزار، ۲۰۰ هزار، بلکه نصف دنیا. بعد امام نظر کردند به غلامی که گوسفندانی را می‌چراند. فرمودند: به خدا قسم، اگر به تعداد این گوسفندان شیعه داشتم، مرا قعود و قیام نکردن سزاوار نبود. سدیر می‌گوید بعد آنها را شمردم، هفده عدد بودند^۱ (مجلسی، ۱۳۶۶، ج ۴۷: ۳۷۲-۳۷۳).

مشابه پرسش و پاسخ بیان‌شده را مأمون رقی نقل می‌کند و می‌گوید خدمت امام صادق علیه السلام بودیم که سهل بن حسن خراسانی داخل شد و سلام کرد و نشست. سپس گفت: یابن رسول، شما با اینکه ۱۰۰ هزار یاور دارید که حاضرند در محضر شما شمشیر بزنند، چرا قیام نمی‌کنید [و نظام ولایی را بر پا نمی‌کنید]؟ امام به او فرمودند: ای برادر خراسانی، برخیز و در تنور بنشین. خراسانی گفت: یابن رسول‌الله، مرا با آتش مؤاخذه نکن. در همین حال، هارون مکی داخل شد. امام به او فرمودند: داخل تنور بنشین. او هم رفت و در تنور آتش نشست. امام فرمودند: در خراسان چند نفر این‌گونه سراغ داری؟ او گفت: به خدا هیچ کس. امام فرمودند: خروج و قیام نمی‌کنم در زمانی که پنج یاور نداشته باشم. ما به زمان [قیام] عالم‌تریم^۲ (همان: ۱۲۳-۱۲۴).

بیان مزبور به طور صریح تأیید می‌کند که علت اصلی محدثه نظام ولایی، وجود پیروان

۱. «والله یا سدیر لَوْ كَانَ لِي شَيْعَةٌ بِعَدَدِ هَذِهِ الْجِدَاءِ مَا وَسَعَنِي الْقُعُودُ».

۲. «أَمَّا أَنَا لَا نُخْرِجُ فِي زَمَانٍ لَا نَجِدُ فِيهِ خَمْسَةَ مُعَاوِدِينَ لَنَا نَحْنُ أَعْلَمُ بِالْوَقْتِ».

ولایت مدار در بینش، اعتقاد و رفتار است. با توجه به اینکه علت محدثه انقلاب می‌تواند علت مبقیه آن هم باشد،^۱ این نتیجه حاصل می‌شود که اگر نظام ولایی امام صادق علیه السلام شکل می‌گرفت، بقا و استمرار آن نیز می‌توانست با ولایت‌مداران بصیر در بینش، اعتقاد و رفتار تضمین شود.

۳-۳) دلالت‌های مستقیم

دلالت‌های تجربی-تاریخی مستقیم به نمونه‌هایی اشاره دارد که ولایت‌محوری عامل اصلی شکل‌گیری، ثبات و استمرار نظام اسلامی و ولایی بوده است:

اول. شکل‌گیری نظام ولایی نبوی: شکل‌گیری مدینه‌النبی و استمرار آن در دوره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله یکی از دلالت‌های تجربی صریح و مستقیم است. اگرچه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سیزده سال آغازین بعثت، در مکه فرصت و امکان تشکیل حکومت و نظام ولایی را نیافتند و دشمنان نگذاشتند آن حضرت در کنار شأن نبوت مهم‌ترین برنامه عملی خود برای هدایت عمومی و رساندن مردم به سرمنزل مقصود را عملی کنند، هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه و همراهی و ولایت‌مداری مسلمانان و انصار و مهاجران و مدیریت و رهبری حضرت نظام ولایی قدرتمند، مستحکم و رشدیابنده‌ای را تشکیل داد و تداوم بخشید.

درواقع، شکل‌گیری و استمرار نظام ولایی پیامبر صلی الله علیه و آله مرهون دو عامل بود: یکی عقاید و اندیشه‌های صحیحی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ده سال پس از بعثت و ادامه آن در مدینه و در تمام آنات و لحظات دائماً تعلیم، تفهیم و تبیین کردند؛ دوم تربیت انسان‌های ولایت‌مدار با تمام شاخص‌هایش که پیغمبر صلی الله علیه و آله بسیاری از آنها را در مکه آماده کرده بودند و آمادگی عده‌ای هم پیش از هجرت، در یثرب با پیام پیغمبر به وجود آمده بود. بنابراین، وقتی پیغمبر صلی الله علیه و آله وارد مدینه شدند، این شوق و این نسیم لطیف و ملایم، به توفانی در دل‌های مردم تبدیل شد و دل‌ها را عوض کرد و عقاید و عواطف و وابستگی‌های قبایلی و تعصبات آنها، در چهره و رفتار و سخن حضرت محو شد (ر. ک. بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۸۰/۲/۲۸).

نتیجه اینکه ولایت‌محوری در دوره ده‌ساله شکل‌گیری حکومت ولایی در مدینه، به

۱. همچنان‌که معلول در حدوث محتاج به علت است، در بقا نیز محتاج به علت است.

پیامبر اکرم ﷺ کمک کرد که ضمن ایجاد بنیان‌های مرصوص در جامعه و استحکام درونی، بتوانند با طبقه صالح که اصحاب ایشان را تشکیل می‌دادند در جنگ‌های تحمیلی پیروز شوند و مسلمانان را به مراحل بالایی از رشد و تعالی و اقتدار برسانند؛ تا جایی که مکه را بدون خون‌ریزی فتح کردند و در آخرین سال عمر آن حضرت امپراتوری روم حتی جرئت رویارویی با مسلمانان را در خود ندید و تبوک را پیش از ورود سپاه اسلام ترک کرد و فرار را بر قرار ترجیح داد.

اما متأسفانه با رحلت آن رسول اعظم ﷺ، به‌رغم راهنمایی‌ها و تأکیدات آن بزرگوار، نظام ولایی استمرار نیافت و با حادثه سقیفه، خلافت جای آن را گرفت؛

دوم. ولایت‌محوری در جمهوری اسلامی: نقش ولایت‌محوری در ایران اسلامی نیز مصداق دیگری در شکل‌گیری و تداوم انقلاب اسلامی است. آنچه در جریان انقلاب اسلامی سبب شد نظام ولایی در مقابل همه تهاجمات سخت و نرم و فتنه‌ها و موانع با قدرت و موفقیت به حرکت اسلامی خود ادامه دهد و هرگز متوقف نشود و دشمنان را در همه سنگرها ناکام و تهدیدها را به فرصت‌ها تبدیل کند، حضور آگاهانه مردم در تمام صحنه‌ها و ایثار جان و مال و به معنای حقیقی کلمه، ولایت‌محوری آنان بود که در تمام مقاطع، نه فقط دستورها و تدابیر رهبر، بلکه منویات و اراده او را هم خوب می‌فهمیدند و برای تحقق آن، با تمام توان و وجود تلاش و مجاهدت می‌کردند و برخلاف امت‌های گذشته از هزینه جانی و مالی برای نظام و ولایت دریغ نکردند و هرگز اجازه ندادند رهبر و ولی امر آنها احساس تنهایی کند و مانند امیر مؤمنان ﷺ، مظلومانه عبارت «لَا رَأَى لِمَنْ لَاطِعًا»^۱ را بر زبان آورد.

با مقایسه عبارات ائمه معصومین به‌ویژه درد دل‌های علی ﷺ درباره شیعیان‌شان با آنچه حضرت امام ﷺ و رهبر انقلاب درباره امت اسلامی و مردم ایران بیان کرده‌اند، به‌خوبی روشن می‌شود که چرا نظام ولایی در قالب ولایت فقیه توانست به عمر با عزت و افتخار و اقتدار خود ادامه دهد، اما نظام ولایی در عالی‌ترین مصداقش یعنی ولایت ائمه معصومین ﷺ تحقق و استمرار نیافت. امام خمینی ﷺ بارها تأکید می‌کردند که عامل اصلی همه پیروزی‌ها و

۱. «کسی که فرمانش نمی‌برند تدبیر او کاساز نیست» (نهج البلاغه، ۱۳۸۷: ۷۱).

موفقیت‌های نظام اسلامی هشیاری، بصیرت، مجاهدت و حضور بموقع و مقتدرانه مردم بوده است؛ تا جایی که آنها را بهتر از ملت حجاز در عهد رسول‌الله ﷺ و کوفه و عراق در عهد امیر مؤمنان و حسین بن علی ﷺ و ولی نعمت خود خواندند (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۶: ۲۵ و ج ۲۱: ۴۱۰). ایشان در این مقایسه می‌فرمایند:

مسلمانان در عهد رسول‌الله ﷺ از ایشان اطاعت نمی‌کردند و با بهانه‌هایی به جبهه نمی‌رفتند... و اهل عراق و کوفه با امیرالمؤمنین ﷺ آن قدر بدرفتاری کردند و از اطاعتش سر باز زدند که شکایات آن حضرت از آنان در کتب نقل و تاریخ معروف است، اما امروز ملت ایران، از قوای مسلح نظامی و انتظامی و سپاه و بسیج تا قوای مردمی از عشایر و داوطلبان و از قوای در جبهه‌ها و مردم پشت جبهه‌ها، با کمال شوق و اشتیاق چه فداکاری‌ها می‌کنند و چه حماسه‌ها می‌آفرینند... و اینها همه از عشق و علاقه و ایمان سرشار آنان به خداوند متعال و اسلام و حیات جاویدان است... و این رمز موفقیت و پیروزی در ابعاد مختلف است (همان، ج ۲۱: ۴۱۰).

باور امام خمینی ﷺ در این بیان نشان می‌دهد که ولایت‌مداری مردم ایران و پیروان امام خمینی ﷺ در هر سه بعد بینشی، گرایشی و رفتاری کامل بوده و رموز استمرار و پایداری نظامی اسلامی برآمده از انقلاب اسلامی در بی‌سابقه‌ترین حمله‌های سخت و نرم دهه شصت، در ولایت‌محوری آنها نهفته است.

شور و شعور انقلابی و ولایت‌محوری مردم ایران پس از دهه شصت و رحلت امام عظیم‌الشأن ﷺ، همچنان تداوم یافته و نقش اصلی و تعیین‌کننده در پیشگیری از تهاجمات نرم و حوادث بی‌ثبات‌ساز و برانداز دوره پیش از سی‌ساله زعامت و رهبری آیت‌الله خامنه‌ای دامت‌تعالیه و مهار آنها را داشته است. یکی از نمونه‌های بارز آن مواجهه آنها با انتخابات سال ۱۳۸۸ و تحولات بعد از آن است که نه تنها تحت تأثیر فتنه دشمنان و نیرنگ منافقان قرار نگرفتند، بلکه نقش خود را در آفرینش حماسه و همچنین مقابله با فتنه‌گران نشان دادند. رهبر فرزانه انقلاب در توصیف حضور مردم در این انتخابات فرمودند که انتخابات ۲۲ خرداد نمایش عظیمی از احساس مسئولیت ملت ما برای سرنوشت کشور و دل‌بستگی مردم به نظامشان بود و به‌خصوص نسل جوان نشان داد که همان شور و تعهد سیاسی را که ما در نسل اول

انقلاب سراغ داشتیم دارد (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۸۸/۳/۲۹).

آن‌گاه که مردم تحرکات براندازانه و پروژه انقلاب رنگی را مشاهده کردند، در مقابل ساختارشکنی و جسارت به امام حسین^{علیه السلام} و حضرت امام^{علیه السلام} و ولایت فقیه در روز عاشورا، به خشم آمدند و در روز نهم دی ماه ۱۳۸۸ حماسه‌ای بزرگ و حضوری پرمعنا آفریدند که توطئه‌ها و فتنه‌های دشمنان را خنثی کرد و پیوند امت با ولایت را استحکام بخشید. رهبر در ستایش آنان فرمودند که روز نه دی در تاریخ ماندگار است و همین کشور و انقلاب را حفظ کرده است (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۸۸/۱۰/۱۹).

افزون بر دلالت‌های گفته‌شده که به‌وضوح نقش ولایت‌محوری را در ثبات و پایداری انقلاب و نظام ولایی نشان داده، بررسی وصیت‌نامه شهدای جنگ تحمیلی و مدافعان حرم نیز دلیلی دیگر برای فرضیه این پژوهش است. تحلیل محتوای این وصیت‌نامه‌ها نشان می‌دهد که تبعیت فکری و عملی از ولایت فقیه مفهوم مشترک همه آنها و عامل اصلی حفظ ارزش‌ها و نظام اسلامی و مقابله‌کننده در برابر تهاجم نظامی بیرونی بوده است. به طور نمونه، ربیعی و تمنایی (۱۳۹۲) در «تحلیل گفتمان وصیت‌نامه شهدای جنگ تحمیلی»، به این نتیجه رسیده‌اند که ولایت فقیه و رهبری امام خمینی^{علیه السلام}، استکبارستیزی و در رأس آن امریکا، واقعه کربلا و شهادت امام حسین^{علیه السلام}، حجاب، نماز جماعت و نماز جمعه، نفی زندگی دنیایی و توصیه به گریستن برای شهدای کربلا به جای گریستن برای شهادت خودشان مضامین و محورهای اصلی وصیت‌نامه آنان بوده و ولایت فقیه و رهبری امام خمینی^{علیه السلام} دال مرکزی آنها را تشکیل می‌داده است. حسین آقایی (۱۳۹۰) در «تحلیل ساختاری و محتوایی وصیت‌نامه‌های شهدای دفاع مقدس»، وصیت‌نامه‌های برخی فرماندهان دفاع مقدس را بررسی کرده که در نتایج خود به زمینه‌سازی برای ظهور حضرت مهدی^{علیه السلام} و پشتیبانی از امام خمینی^{علیه السلام} و ولایت فقیه به‌عنوان دو محور در وصیت‌نامه آنها رسیده است. «تحلیل محتوای وصیت‌نامه‌های سرداران شهید» عنوان پژوهش دیگری است که فروغ زاده و سلطانی (۱۳۹۷) انجام داده است. نتایج آن نشان می‌دهد مهم‌ترین مقوله‌های مستخرج از وصایای شهدا عبارت از اطاعت از ولایت فقیه، اطاعت از امام، تأکید بر بزرگی امام، الگوگیری از اهل بیت^{علیهم السلام}، محافظت از انقلاب، تأکید بر ادامه راه شهدا،

بر وحدت، عدم باندبازی سیاسی و بی‌اعتنایی به دنیا، جنگ با استکبار جهانی و کفر... است. پیام صریح محتوای وصیت‌نامه‌های شهدای دفاع مقدس این است که عامل اصلی حفظ نظام ولایی در برابر تهاجم سخت بیرونی، ولایت‌محوری بوده است و در صورت نبود این ویژگی، سرنوشت جنگ و نظام ولایی مشخص نبود.

همین اوصاف و پیام، پس از چهار دهه از انقلاب در وصیت‌نامه‌های مدافعان حرم با همان حال و هوای دفاع مقدس نیز دیده می‌شود. به طور نمونه، معصومه مقیمی فیروزآباد در «بررسی مؤلفه‌های سبک زندگی شهدای مدافع حرم: مطالعه موردی وصیت‌نامه ۲۷ تن از شهدای مدافع حرم»، نتیجه می‌گیرد که مسئله «ولایت فقیه» با عبارت‌هایی مانند «به خاطر برخورداری از نعمت ولایت و ولایت فقیه، باید بیش از این شاکر باشیم و نکند پشت رهبر را خالی بگذارید»، بدون استثنا در تمام وصیت‌نامه‌ها به صورت مکرر یافت شد. همچنین عشق به رهبر و توجه ویژه به امام عصر علیه السلام و آرزوی سربازی ایشان وجه مشترک همه وصیت‌نامه‌ها بوده که هم در هدف از جهاد و هم در توصیه‌ها و هم در ابعاد فردی، در قالب مفاهیمی چون استمرار در خط ولایت، مؤثر بودن تحقق ظهور، لبیک به رهبر و پشتیبانی از ولایت فقیه به آن اشاره شده است (مقیمی فیروزآباد، ۱۳۹۷: ۱۳۲).

وقتی به وصیت‌نامه مبسوط سردار شهید سلیمانی نگاه می‌کنیم، دلیل دیگری بر دلایل گفته‌شده اضافه می‌شود که نقش ولایت‌محوری در پاسداری از انقلاب را تأیید می‌کند. در وصیت‌نامه ایشان، «ولایت فقیه» برجسته‌ترین فراز است. او ولایت فقیه را «خیمه رسول‌الله» می‌داند و می‌نویسد: «والله، والله، والله، اگر این خیمه آسیب ببیند، بیت‌الله‌الحرام آسیب می‌بیند». سپس تصریح دارد:

از اصول مراقبت کنید. اصول یعنی ولی فقیه؛ خصوصاً این حکیم، مظلوم، وارسته در دین، فقه، عرفان، معرفت. ... خامنه‌ای عزیز را جان خود بدانید. ... با جان و دل به توصیه و تذکرات او به‌عنوان طبیب حقیقی شرعی و علمی، عمل کنید. ... شرط اساسی احراز مسئولیت اعتقاد حقیقی و عمل به ولایت فقیه است (سلیمانی، ۱۳۹۸/۱۱/۲۴).

وصیت‌نامه‌های شهدای دفاع و مقدس و مدافع حرم اثبات می‌کنند که آنها همه

شاخص‌های ولایت‌محوری در ساحت‌های بینشی، گرایشی و کنشی را داشتند و همین مختصات عامل اصلی پیروزی بر تهدیدات براندازانه ضد نظام ولایی بوده است.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش نشان داده شد که ولایت‌محوری با شکل‌گیری و پایداری نظام ولایی رابطه‌ی معناداری دارد. ولایت‌محوری در ساحت‌های بینش و گرایش، در حدوث و بقای نظام ولایی لازم است و شرایط کافی ولایت‌مداری در عمل و رفتار افراد و جامعه است. پیروزی‌های پی‌درپی و تداوم و اقتدار نظام ولایی و شکست و ناکامی دشمنان داخلی و خارجی مرهون ولایت‌محوری و پیوند عمیق امت و رهبر و پیروی فکری و عملی مردم از ولی امر خود و البته عامل بقای آن و ضامن حرکت روبه‌رشد و استحکام بیشتر نظام ولایی و پیروزی‌های بزرگ آینده است و تا زمانی که ولایت‌محوری پایه‌ی همه‌ی اندیشه‌ها و موضع‌گیری‌ها و اقدامات مردم و مسئولان باشد، هیچ توطئه و تهاجمی نمی‌تواند به ارکان انقلاب و نظام ولایی آسیب برساند.

باتوجه به نقش کلیدی ولایت‌محوری در پایداری نظام ولایی، پیشنهاد می‌شود در مراکز علمی اعم از حوزه و دانشگاه و دوره‌های آموزشی به محورهایی مانند حقیقت و مفهوم ولایت‌محوری، مبانی و اصولی که ولایت‌محوری را اقتضا می‌کند، الزامات و شاخص‌های شناختی، گرایشی و رفتاری ولایت‌محوری، آثار و کارکردهای مهم ولایت‌محوری، پیامدهای دوری از ولایت‌محوری، برنامه‌ها و توطئه‌های دشمنان برای ضربه زدن به ولایت‌محوری، نقش و جایگاه خواص در موضوع ولایت‌محوری و بازخوانی ولایت‌محوری در عصر حضور و دوران غیبت به‌صورت عالمانه و محققانه توجه شود.

کتابنامه

- قرآن کریم، ترجمه‌ی ناصر مکارم شیرازی، دار القرآن الکریم.
نهج‌البلاغه (۱۳۸۷). ترجمه‌ی حسین استادولی، قم، اسوه.
نهج‌البلاغه (۱۴۱۴ق). تصحیح صبحی صالح، قم، هجرت.
ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۳۹۱). صفات الشیعة و فضائل الشیعة، ترجمه‌ی علی‌اکبر میرزایی، قم، علویان.

ابن اثیر، عزالدین (۱۳۸۵). تاریخ کامل، ترجمه سیدحسین روحانی، تهران، اساطیر. اراکی، محسن (۱۳۸۱). «جایگاه مردم در تشکیل حکومت اسلام»، رواق اندیشه، س ۲، ش ۷-۸، ص ۲۱-۲.

اشرفی، اکبر و طیبه سلامت (۱۳۹۴). «رهبری و حفظ انقلاب در ایران و مصر: تحلیلی بر نقش محمد مرسی در شکست انقلاب مصر»، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، س ۶، ش ۲، تابستان، ص ۱-۱۶.

آقایی، حسین (۱۳۹۰). تحلیل ساختاری و محتوایی وصیت‌نامه‌های شهدای دفاع مقدس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، با راهنمایی طاهره خوشحال دستجردی.

برازش، علیرضا (۱۳۹۶). تفسیر اهل بیت علیهم‌السلام، تهران، امیرکبیر، ج ۲. جمال‌زاده، ناصر و همکاران (۱۳۹۷). «مؤلفه‌های مانایی انقلاب اسلامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری داماد»، فصلنامه علمی-پژوهشی جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، س ۶، ش ۱، بهار و تابستان.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۹). ولایت فقیه، قم، اسراء. حاجی‌صادقی، عبدالله (۱۳۹۰). فلسفه و نظام سیاسی اسلام، قم، زمزم هدایت. _____ (۱۳۹۴). ولایت محوری چیستی، چرایی، چگونگی، قم، زمزم هدایت.

حاضری، علی محمد و ابراهیم صالح‌آبادی (۱۳۸۷). «علل تداوم رژیم سیاسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه علوم اجتماعی، ش ۴۳ و ۴۴، پاییز و زمستان، ص ۱۵۳-۱۸۶. ابن شعبه حرانی، حسین (۱۳۵۲). تحف العقول، ترجمه علی‌اکبر غفاری، تهران، اسلامیه.

طالبی، محمدحسین (۱۳۹۷). «نقش مردم در نظام سیاسی مردم‌سالاری دینی (اسلامی)»، فصلنامه سیاست متعالیه، س ۶، ش ۲۱، تابستان، ص ۹۵-۱۱۴.

حسینی‌طهرانی، سیدمحمد حسین (۱۳۷۹). امام‌شناسی: ولایت (توحید و ولایت: تفسیر آیه ولایت) تهران، علامه طباطبایی، ج ۵.

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۶۰). ولایت، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی. _____ (۱۳۹۰). انسان ۲۵۰ساله: نگاهی یک‌پارچه به سیره سیاسی و روش مبارزاتی ائمه علیهم‌السلام، تهران، صهبا.

_____ (۱۳۷۴). طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. دهقانی، جواد (۱۳۹۱). نقش رهبری در تداوم انقلاب اسلامی، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تاریخ دفاع: ۱۵ آبان.

ربیعی، علی و امیرحسین تمنایی (۱۳۹۲). «تحلیل گفتمان وصیت‌نامه شهدای جنگ تحمیلی»، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی، س ۲۰، ش ۲، پاییز و زمستان.

رسول، جعفریان (۱۳۸۶). حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، تهران، انصاریان.
یزدخواستی، بهجت و محسن اخوان مهدی (۱۳۹۰). «بازخوانی انقلاب اسلامی ایران با تأکید بر راز ماندگاری و پویایی انقلاب»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، س ۸، ش ۲۴، تابستان، ص ۱۱-۳۶.

سلیمانی، قاسم (۱۳۹۸/۱۱/۲۴). وصیت‌نامه سردار سلیمانی، دسترسی در: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398>

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۸۴). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصرخسرو، ج ۹.
لک‌زایی، شریف و محمدعلی فتح‌اللهی (۱۳۹۲). «حکمت متعالیه و انقلاب اسلامی ایران»، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، س ۴، ش ۲، تابستان، ص ۱۲۵-۱۴۴.

مجلسی، محمد باقر (۱۳۶۶). بحار الانوار، قم، انتشارات اسلامی.
مسلمانی، غلامحسین و همکارانش (۱۳۹۸). «واکاوی ساختار جاری نظام جمهوری اسلامی ایران از منظر مانایی»، پژوهش‌های مدیریت ایران، س ۲۳، ش ۳، پاییز، ص ۱۲۹-۱۵۸.
فروغ زاده، سیمین و سلطانی، سحر (۱۳۹۷). «تحلیل محتوای وصیت‌های شهدا نامه (با تأکید بر مفاهیم الگو و توسل به ائمه)»، پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی، س ۸، ش ۱۷، بهار و تابستان، ص ۳۰-۵۷.

مقیم فیروزآباد، معصومه (۱۳۹۷). «بررسی مؤلفه‌های سبک زندگی شهدای مدافع حرم: مطالعه موردی وصیت‌نامه ۲۷ تن از شهدای مدافع حرم»، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، س ۲۴، ش ۳، پاییز و زمستان.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۷ الف). ولاءها و ولایت‌ها، تهران، صدرا.

_____ (۱۳۷۷ ب). مجموعه آثار، تهران، صدرا، ج ۱۸.

موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۵). صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

نوروزی فرانی، محمدجواد (۱۳۹۱). «شاخص ولایت‌مداری در نظام اسلامی»، فصلنامه معرفت سیاسی، س ۴، ش ۲، پاییز و زمستان، ص ۵-۲۴.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۱). پرسش‌ها و پاسخ‌ها، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ج ۱-۴.

ابن نعمان عکبری بغدادی (شیخ مفید)، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). الارشاد، قم، مؤسسه آل‌البیت^ع، ج ۲.

منتظرالقائم، اصغر (۱۳۸۰). نقش قبایل یمنی در حمایت از اهل بیت^ع، قم، بوستان کتاب. موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۸). ولایت فقیه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^ع.

_____ (۱۳۸۵). صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^ع، ج ۱۰.

